

ترکیب و تفکیک و تولید گله در البرز شرقی

حسین بارانی^(۱)

دکتر علی اکبر مهرابی^(۲)

دکتر محمدرضا مقدم^(۳)



چکیده

اگر هر گله متشکل از گوسفند و بز متعلق به یک خانواده را یک واحد مدیریتی جداگانه تلقی کنیم طبق آمار موجود بیش از ۹۰۰ هزار گله کوچک و بزرگ در کشور وجود دارد که هر کدام می‌تواند به عنوان یک واحد تولیدی در نظر گرفته شود. شناخت عمیق و دقیقی از ساختار گله و کارکرد اقتصادی این واحدهای تولیدی وجود ندارد. به همین علت آمار تفکیک شده دام یا ترکیب گله به اشکال مختلف و بعضاً به صورت مبهمی ارائه می‌شود. همچنین درباره کارکرد اقتصادی این واحدها

نقطه نظرهای متفاوتی ابراز شده است. در مقاله حاضر که حاصل پژوهش مشارکتی در بین گله داران البرز شرقی است، سعی شده تا ترکیب گله داشتی و دام‌هایی که هر سال از این ترکیب حذف شده و به فروش می‌رسند به وضوح آشکار گردد. بدین ترتیب امکان تفکیک سرمایه و تولید از یکدیگر بیشتر شده و بر این مبنا حساب و کتاب گله روال روشنتری پیدا کند.

واژه‌های کلیدی: ترکیب گله، تولید گله، گله‌داری، مردم‌شناسی اقتصادی، البرز شرقی

مقدمه

بنابر تحقیقات باستان‌شناسی، پرورش دام در ایران سابقه‌ای حدوداً ده هزار ساله دارد (امان‌اللهی ۱۳۷۸). در این میان پرورش دام‌های نشخوارکننده کوچک یعنی پرورش گوسفند و بز و زندگی شبانی مبتنی بر پرورش آنها چه از نظر تاریخی و چه از نظر گسترش جغرافیایی اهمیت قابل توجهی دارد. بر اساس آمارهای منتشر شده، حدود ۱۱۵ میلیون راس گوسفند و بز وابسته به مرتع در کشور وجود دارد (علی‌زاده و همکاران ۱۳۷۸) که متعلق به حدود ۹۵۰ هزار خانوار روستایی و عشایری است (اسکندری ۱۳۷۸ آقاعباسی ۱۳۷۹). اگر دام معلوم و مربوط به هر خانوار را در قالب یک گله تفکیک‌پذیر بدانیم، بالتبع همین تعداد گله کوچک و بزرگ قابل تفکیک در کشور وجود خواهد داشت. اگر بپذیریم که هر خانوار تصمیم‌گیری جداگانه‌ای درباره فروش و جایگزینی دام گله خود اتخاذ می‌کند می‌توانیم دام متعلق به هر خانوار - که قالب تفکیک در قالب یک گله است - را یک واحد تولیدی حساب کنیم. با این حساب حدود یک میلیون واحد تولیدی در کشور وجود دارند که به تولید فرآورده‌های دامی و پرورش گوسفند و بز می‌پردازند. حال از زاویه دیگری بنگریم: اگر تعداد دام مطلوب در هر گله را چه از نظر تکافوی نیاز خانوار دامدار (اسکندری ۱۳۷۸) و چه از نظر سهولت هدایت گله حدود ۲۵۰ راس و حداکثر واحد دامی گوسفندی در شرایط آینده را بر اساس سیاست‌های کاهش جمعیت دامی وابسته به مرتع حدود ۵۰ میلیون واحد دامی در نظر بگیریم، در این شرایط حدود ۲۰۰

هزار گله متشکل از دام کوچک و بر این اساس قریب دویست هزار واحد تولیدی فرآورده‌های دامی گوسفند و بز وجود خواهد داشت که حدوداً برابر با تعداد خانواری است که می‌توانند متکی بر عرصه مراتع به پرورش گوسفند و بز بپردازند (علی‌زاده و همکاران ۱۳۷۸). چه به شرایط موجود توجه کنیم و چه به شرایطی که برای آینده تصور می‌شود، در هر صورت نکته مهم تلقی گله به عنوان واحد تولیدی است. ارتقاء این واحد تولیدی مستلزم شناخت و کسب اطلاع از چگونگی ساختار و کارکرد آنها است (پاپلی یزدی و لباف خانیکی ۱۳۷۹). مطالعات و پژوهش‌هایی که تاکنون درباره گله و گله داری صورت گرفته و انتشار یافته‌اند، اطلاعاتی را از ساختار و کارکرد اقتصادی این واحدها آرایه می‌دهند که مرور آنها بدون شک بر دانش و آگاهی خوانندگان خواهد افزود. لیکن کنار هم گذاردن آنها بیش از آنکه همگرایی بین این یافته‌ها را نشان دهد خواننده را با مجموعه‌ای متنوع از نظریات مواجه می‌سازد که نمی‌توان از کنار تفاوت آنها به سادگی گذشت. به عنوان مثال هر یک از مولفان زیر طبقات سنی و جنسی گوسفند را به نحوی به کار برده‌اند. امان‌اللهی (۱۳۷۸) در سه طبقه قوچ - میش - بره، مزینی (۱۳۸۰) در چهار طبقه میش - قوچ - توقولی - شیشک، قنبری (۱۳۶۸) در پنج طبقه میش بالغ - بره ماده یک و نیم ساله - بره ماده - بره نر - قوچ، دیگرار (۱۳۶۹) در شش طبقه بره - کاور - یارون - شیشک - نر میش - میش و در نهایت پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹) در دوازده طبقه بره - کاور - ترش میش - سه زه - چهار زه - پیرمیش - شیشک - دو بر قوچ - سه بر قوچ - چهار بر قوچ - پنج بر قوچ و بخته دسته‌بندی کرده‌اند. اهمیت این طبقات و اسامی از آن جهت است که آمار تفکیک شده دام در آن قوالب جمع آوری شده و بالتبع بر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و فنی تاثیر می‌گذارند. به عنوان مثال اگر آمار مربوط به تعداد و ترکیب دام‌های گله در یک منطقه در شش طبقه جمع آوری شده باشد، اطلاعات گسترده‌تری را نسبت به آماری که تنها در دو طبقه جمع آوری و گزارش شده است فراهم می‌سازد. تفکیک دام گله بر اساس تمایزات جنسی، نوعی و مهم‌تر از همه تفکیک سنی آنها از فرهنگ شبانی نشأت می‌گیرد و تاکنون برخی از مردم نگاران به بررسی و ثبت این طبقه‌بندی‌ها و ثبت نام‌های هر طبقه سنی و نوعی پرداخته‌اند. (پاپلی یزدی و لباف خانیکی ۱۳۷۹، دیگرار ۱۳۶۹، نیر ۱۳۷۸، صفی‌زاده ۱۳۷۰) بررسی جنبه‌هایی از

فرهنگ که با ساختار و کارکرد اقتصادی جوامع و گروه‌های انسانی ارتباط پیدا می‌کند موضوع مردم‌شناسی اقتصادی است. هدف مردم‌شناسی اقتصادی آن است که نشان دهد در حالات، طرز تفکر و عمل تولید کنندگان، یک منطق درونی وجود دارد و مسایل برای تحلیل بهتر می‌بایست از دیدگاه خود گروه‌های انسانی نگریسته شوند و رابطه بین اشیاء و پدیده‌ها از یک سو و انسان‌ها از سوی دیگر بر مبنای تجربه‌های مردم شناختی تحلیل و تبیین شوند (کیاء ۱۳۵۴). وانگهی مردم‌شناسی اقتصادی با کشف ابعاد و زوایای جدید فرهنگی، مفاهیم پذیرفته شده اقتصادی را مورد تجدید نظر قرار می‌دهد (طیبی ۱۳۷۴).

سوابق و منابع مرتبط با موضوع

در باره موضوع این مقاله منابع و مراجعی که مستقلاً به این قضیه پرداخته باشند در اختیار نیست، لیکن در منابع مربوط به دامپروری و مقاله‌های مرتبط با اقتصاد زندگی عشایری و کتب و مقاله‌های مربوط به مردم‌شناسی عشایر مطالبی به طور پراکنده در این زمینه وجود دارد که در دو بند جداگانه مرور خواهند شد:

الف - تفکیک و تشریح دام و گله: دام‌ها چه به طور فردی و چه در شکل گله بر اساس خصوصیات متفاوتی از هم قابل تفکیک هستند. در اینجا ویژگی‌های مربوط به دام‌ها و گله‌ها به طور جداگانه توضیح داده می‌شوند.

۱- تفکیک و تمایز دام‌ها: که ممکن است خصوصیات جنسی، سنی، نوعی و بهره دهی

باشد.

۱-۱- تفکیک و تمایز بر اساس نوع: در اکثر گزارش‌های آماری و یا کتب و مقاله‌های

علمی مرتبط با موضوع، دام‌های کوچک از نظر نوع به دو نوع گوسفند و بز تفکیک می‌شوند که البته امری بدیهی است (نظیر پاپلی یزدی و لباف خانیکی ۱۳۷۹، امان اللهی ۱۳۷۸، عمادی و

آقا علی نژاد ۱۳۷۸، قنبری ۱۳۶۸، رحیم پور ۱۳۷۸)

۲- تفکیک و تمایز بر اساس جنس: برخی از گزارش‌ها و نوشته‌های علمی مربوط به

گله داری از تفکیک جنسی در ارایه آمار و ارقام یا محاسبات اقتصادی و نظایر آن استفاده

کرده‌اند. این تفکیک ممکن است بصورت اسامی جنسی نظیر جدا کردن قوچ از میش (نظیر دهقانیان و کهنسال ۱۳۷۹، قنبری ۱۳۶۸) یا بصورت ذکر صفات جنسی یعنی نرینه و مادینه باشد (نظیر امان اللهی ۱۳۷۸، کیاوند ۱۳۷۴).

۱-۳- تفکیک و تمایز سنی: مشابه تفکیک نوعی و جنسی مؤلفان مختلف برای ارایه گزارش آماری، محاسبات اقتصادی و تشریح و توصیف گله داری از تفکیک سنی بهره گرفته‌اند. مهم‌ترین نمود این تفکیک، تمایز بودن بره از گوسفند و بزغاله از بز می‌باشد (نظیر پاپلی یزدی و لباف خانیکی ۱۳۷۹، دیگار ۱۳۶۹، نیر ۱۳۸۰، قنبری ۱۳۶۸). اما در تفکیک و تمایز سنی نکته‌ها و ابهام‌های زیادی وجود دارد که پرداختن و روشن ساختن این موارد لازمه استفاده از آنها در آمار برداری و محاسبات اقتصادی و امثال آن است. به عنوان مثال در مراحل زندگی گوسفندان، دوره‌ای وجود دارد بین ۶ تا ۱۸ ماهگی که در آن دوره دام از شیر گرفته شده ولی هنوز به بلوغ جنسی نرسیده است. در اکثر آمارها و محاسبات مربوط به گله، معلوم نیست دام واقع در این دوره را جزو بالغین به حساب آورده یا بره قلمداد کرده‌اند. به عبارتی دیگر اگر لفظ بره به گوسفندی اطلاق می‌شود که بین تولد تا شش ماهگی سن داشته باشد و قوچ یا میش، گوسفند بالغی باشد که به سن بلوغ یعنی تا ۱۸ ماهگی رسیده است، گوسفندان بین شش ماه تا ۱۸ ماهگی در کدام طبقه قرار می‌گیرند؟ برخی از مؤلفان به این نکته توجه نکرده و دام‌های گله را یا بره و قابل فروش و یا قوچ و میش بالغ و قابل باروری و جفت‌گیری دانسته و محاسبات اقتصادی مربوط به گله و گله داری را بر این مبنا انجام داده‌اند (نظیر کیاوند ۱۳۷۴ و امان اللهی ۱۳۷۸). رفع این ابهام نیازمند آشنایی با چرخه حیاتی گوسفند و بز از تولد تا پیری است که متأسفانه حتی منابع علمی مربوط به پرورش گوسفند و بز نیز تاکنون به آن نپرداخته‌اند.

۱-۴- تفکیک بر اساس خصوصیات بهره دهی: تفکیک بر اساس نوع بهره دهی در منابع و متون مختلف به صور متفاوتی تشریح شده است. دام‌ها بر اساس نوع بهره دهی به انواع گوشتی، پشمی، پوستی و چند منظوره (سعادت نوری و سیاه منصور ۱۳۶۱). براساس صفات بهره دهی به اساغ در مقابل دوشا (فرهادی ۱۳۷۹، پاپلی و لباف خانیکی ۱۳۷۹) و داشتنی در مقابل پرواری (سعادت نوری و سیاه منصور ۱۳۶۱) تقسیم می‌شوند.

۵-۱- تفکیک و تمایز بر اساس رنگ: این تفکیک در منابع علمی مربوط به دامپروری چندان توجه نشده است ولی در پژوهش‌های مردم‌شناختی کاملاً مورد توجه قرار گرفته است (نظیر شاه حسینی ۱۳۷۷). از آنجا که این تفکیک با موضوع مقاله ارتباط چندانی نداشته و از طرفی نیز دستور پیچیده‌ای دارد از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌شود.

۱- تفکیک و تمایز گله‌ها: در باب تفکیک گله‌ها و وجوه تمایز آنها از هم دیگر در نظام دامداری سنتی ایران با کمال تأسف منابع و مراجع مربوط به دامپروری اشاره‌ای نداشته‌اند و بیش از همه به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مردم‌شناسان و متخصصان علوم انسانی به این موضوع پرداخته‌اند. از مهم‌ترین مراجع مربوط به این مقوله می‌توان به مقاله‌های «نگاهی به انواع گله و شبان و یاریگری در چرانیدن گله‌های چکانه در ایران» نوشته فرهادی (۱۳۷۹) و ترکیب گله در دامداری سنتی ایران» نوشته پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹) اشاره نمود. با توجه به آنچه در مقاله‌های فوق‌الذکر و دیگر منابع مرتبط (نظیر دیگار ۱۳۶۹) آمده است، گله‌های متشکل از دام‌های نشخوارکننده کوچک (گوسفند و بز) را می‌توان به شرح زیر تفکیک نمود:

- تفکیک نوعی گله‌ها یا جدا کردن گله بزها از گله میش‌ها.
 - تفکیک سنی گله‌ها یعنی جدا کردن بره‌ها از بزغاله‌ها در لنگه‌های جداگانه.
 - تفکیک گله بر اساس خصوصیات بهره‌دهی و جدا کردن گله‌های دوشا و اساغ از یکدیگر.
 - تفکیک گله‌ها بر اساس رنگ مثلاً جدا کردن گله گوسفندان سیاه از سفید.
- آنچه در این زمینه از اهمیت والایی برخوردار است و به درک ساختار و کارکرد اقتصادی گله و گله‌داری کمک می‌کند، تشریح دلایل تفکیک و تمایز گله‌ها بخصوص گله‌های داشتنی از پروراری است که متأسفانه تاکنون به طور تفصیلی به این موضوع پرداخته نشده است.

ب - تفکیک و تشریح سرمایه و تولید در گله‌داری: مردم‌شناسان، اقتصاد دانان و متخصصان دامپروری هر یک از زاویه تخصص خود کم و بیش به این موضوع پرداخته‌اند که براساس موضوع در بندهای جداگانه توضیح داده می‌شوند.

۱- محاسبه دام مازاد یا قابل فروش: قنبری (۱۳۶۸) در مقاله بهره وری در نظام دامداری عشایری در محاسبه تولیدات دامی عشایر، دام مازاد را معادل ۲۵ درصد دام‌های بالغ به علاوه بره‌های اضافه بر جایگزین می‌داند. امیری (۱۳۶۹) در گزارش از وضعیت دام کشور اعلام می‌دارد که طبق آمارهای پذیرفته شده با توجه به زایش و حذف دام مازاد، معمولاً ۳۳ درصد دام‌ها سالانه به بازار مصرف عرضه می‌شوند. ترکمان (۱۳۶۹) نیز در کتاب *آشنایی با جامعه عشایری ایران* یادآور می‌شود که طبق برآوردهای انجام شده، عشایر ایران هر ساله ۱۵/۷ درصد دام‌های خود را به بازار عرضه می‌کنند. کیاوند (۱۳۷۴) دام مازاد هر گله را بره‌های نر تولیدی هر سال می‌داند که در هر گله ۱۰۰ رأسی حدود ۳۲ بره نر [۳۲ درصد] می‌باشد. امان الهی (۱۳۷۸) در بحث تولیدات دامی به صراحت بره را جزو تولیدات گله قلمداد کرده و تعداد آنرا در یک گله ۱۰۰ رأسی در هر سال ۸۰ رأس بره و بزغاله [۸۰ درصد] می‌داند. افراخته (۱۳۷۲) میزان فروش دام در یک گله ۱۰۰ رأسی را سالیانه ۲۰ رأس دام پیر و ۲۵ رأس بره [جمعاً ۴۵ رأس و معادل ۴۵ درصد گله] می‌داند.

دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹) در معرفی اقتصاد عشایر استان خراسان چنین اظهار می‌کنند که عشایر استان به طور متوسط سالانه ۱۵/۴ درصد دام‌های خود را به فروش می‌رسانند، لیکن در مثالی که ارائه می‌نمایند این نسبت را به گونه‌ای دیگر و متفاوت از اظهار قبلی خود معرفی می‌نمایند. ایشان بره‌های متولد شده در هر سال در یک گله ۲۵۰ رأسی را ۱۴۰ رأس (۷۰ رأس ماده و ۷۰ رأس نر) می‌دانند و فروش را در هر سال ۷۰ رأس بره نر و ۳۷ رأس میش [جمعاً ۱۰۷ رأس و معادل ۴۲/۸ درصد گله] ارزیابی می‌کنند.

۲- سایر تولیدات گله: تقریباً اکثر منابع علاوه بر دام مازاد، از پشم، کرک، مو و فرآورده‌های لبنی به عنوان تولیدات گله یاد می‌کنند (قنبری ۱۳۶۸، دهقانیان و کهنسال ۱۳۷۹، افراخته ۱۳۷۲، ترکمان ۱۳۶۹). کود دامی کم‌تر به عنوان یک فرآورده دامی محسوب شده است (سعادت نوری و سیاه منصور ۱۳۶۱ قنبری ۱۳۶۸). کیاوند (۱۳۷۴) و افروخته (۱۳۷۲) صرفاً فروش دام مازاد را جزو منابع درآمدی گله داری دانسته‌اند.

۳- هزینه‌های گله: پرداختن به تولیدات گله بدون اشاره به هزینه‌هایی که بایست صرف

شود چندان شایسته نیست. منابع مرور شده در مجموع از ده مورد به عنوان موارد هزینه‌ای گله یاد کرده‌اند:

۱- دستمزد چوپان ۲- هزینه خوراک ۳- هزینه درمان و دارو ۴- هزینه تلفات دام ۵- هزینه علوفه و خوراک دام ۶- هزینه حمل و نقل ۷- هزینه اجاره مرتع ۸- هزینه بسابت ته چر ۹- هزینه نگهداری سگ گله ۱۰- هزینه‌های متفرقه

هر کدام از منابعی که در ذیل معرفی می‌گردند به تعدادی از این اقلام اشاره کرده‌اند. سعادت نوری و سیاه منصور (۱۳۶۱) هزینه را بصورت سرمایه جاری و شامل دستمزدها، هزینه درمان، هزینه تلفات و هزینه علوفه می‌دانند. افراخته (۱۳۷۲) هزینه‌های گله را شامل دستمزد چوپان - برای هر گله ۱۰۰ رأسی دو نفر - هزینه خوراک چوپانان، هزینه حمل و نقل، هزینه دارو و درمان گله و هزینه‌های سالیانه نگهداری سگ گله می‌داند. ایشان برای اولین بار هزینه نگهداری سگ گله را جزو هزینه‌ها بر شمرده و آنرا معادل هزینه دارو و درمان گله برآورد نموده است. قنبری (۱۳۶۸) هزینه‌های نگهداری گله در بین عشایر را با نام هزینه‌های واسطه‌ای شامل هزینه علوفه و خوراک دام و هزینه بهداشت و درمان گله دانسته و حدود نیم درصد هزینه‌های واسطه‌ای را نیز هزینه متفرقه به حساب آورده است.

دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹) هزینه‌های یک گله را شامل هزینه تعلیف دستی، دستمزد چوپان، هزینه دارو، هزینه حمل و نقل و هزینه ته چر دانسته و حدود ۳ درصد هزینه‌های گله را نیز هزینه‌های متفرقه می‌دانند.

امان‌اللهی (۱۳۷۸) نیز از درآمدهای گله نام می‌برد لیکن از این هزینه‌ها صرفاً در بحث نیروی انسانی و تحت عنوان مخارج خانوار کوچ نشین یاد کرده و آنرا مشتمل بر دستمزد چوپان و اجاره بهای مرتع می‌داند.

کیاوند (۱۳۷۴) و ترکمان (۱۳۶۸) از درآمدهای گله نام می‌برند لیکن هیچ اشاره‌ای به مخارج یا هزینه‌های گله داری نمی‌نمایند.

جمع بندی مطالعات و سوابق موجود:

۱- واگرایی و ناروشنی در تفکیک سنی دام‌های گله در گزارش‌های آماری و محاسبات اقتصادی: به عنوان مثال در مورد گوسفند الفاظ بره، تقلی، شیشک، قوچ و میش در دو طبقه گوسفند و بره و یا مجموعاً با هم اعلام می‌گردند. در اینصورت جایگاه تقلی و شیشک به عنوان دام‌های حد واسط ناروشن است و معلوم نیست این دام‌ها جزو بره‌ها شمارش شده‌اند یا جزو بالغین.

۲- عدم وضوح در تفکیک سرمایه و تولید و عدم وضوح در تعریف و توصیف گله‌های داشتی: در برخی از منابع مرور شده، دام مازاد گله به عنوان درصدی از موجودی گله تلقی می‌شود. به عبارتی تولید همواره بخشی از سرمایه تلقی می‌گردد و این امر درک ساختار و کارکرد گله را با ابهام مواجه می‌سازد، بدیهی است گله داشتی به عنوان گله پایه و تولیدکننده دام مازاد تلقی می‌شود و گله دار در حذف و فروش دام، دام داشتی را کاملاً متفاوت از دام فروشی به حساب می‌آورد.

۳- ناهماهنگی در محاسبات مالی گله و گله داری: در محاسبات اقتصادی مربوط به گله داری در شمول هزینه‌ها و درآمدها روال درستی وجود ندارد. به عنوان مثال در برخی از مقاله‌ها هزینه‌های نیروی انسانی جزو هزینه‌های گله به حساب نیامده و یا در برخی منابع از پشم و شیر حاصل از دام‌های گله به عنوان تولیدات گله صرف نظر شده است.

منطقه و روش بررسی

الف - منطقه بررسی: این بررسی در البرز شرقی صورت گرفته است. البرز شرقی قسمتی از رشته کوه البرز است که طول جغرافیایی ۵۴ تا ۵۶ درجه شرقی به صورت کمانی گسترش یافته است. ارتفاع منطقه از سطح دریا بین ۲۰۰ تا ۳۹۴۵ متر است. جبهه شمالی تا ارتفاع ۲۵۰۰ متر از سطح دریا پوشیده از جنگل‌های خزری است و بالاتر از آن تیز پوشش کوهستانی مرتفع می‌باشد. جبهه جنوبی نیز هر سه منطقه رویش استپی، نیمه استپی و کوهستانی مرتفع از ناحیه ایران و تورانی را در خود جای داده است. از نظر جغرافیای انسانی نیز البرز شرقی

منطقه‌ای است که در دو استان گلستان و سمنان گسترش یافته است. شهرستان‌های شاهرود، دامغان در حاشیه جنوبی و شهرستان‌های گرگان، علی‌آبادکتول، رامیان، آزادشهر، مینودشت و کلالة در حاشیه شمالی منطقه کوهستانی واقع شده‌اند. ساکنان این روستاها به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. مراتع البرز شرقی توسط پرورش دهندگان میش و بز - که گله دار شناخته می‌شوند - بهره برداری می‌شود. گله داران و شبانان البرز شرقی به گونه‌هایی از زبان فارسی که منبعث از موقعیت جغرافیایی منطقه و آمیخته‌ای از زبان فارسی دری و گویش طبری است سخن می‌گویند.

ب - روش بررسی: این مقاله براساس یافته‌های حاصل از پژوهش مشارکتی در البرز شرقی تنظیم شده است. در این روش پژوهشگر در ابتدا نمونه یا نماینده‌هایی را به صورت تشخیصی انتخاب کرده است. با برقراری ارتباطات دوستانه و دریافت پذیرش از سوی آنها به مشارکت در فعالیت‌ها پرداخته و در فرصت مناسب به مصاحبه و گفت و گوی بدون ساختار معطوف شده است. گفته‌ها اعم از کلمه‌ها و جمله‌ها را بصورت کلیدی یا مفصل ثبت کرده و در فرصت‌های مقتضی ایجاد شده بین گفت و گوها و یا در دوره‌های کوتاه عدم حضور بین آنها به تجزیه و ترکیب مقدماتی مفاهیم پرداخته و مجدداً استفهام درباره این مضامین را در مکانی دیگر و با افراد متفاوت ادامه داده است. پرس و جو درباره مضامین و مفاهیم تا آنجا ادامه یافته است که ادامه پرسش چیزی به ابعاد معنایی و مفهومی یافته‌های اولیه نیفزوده و این کیفیت در اثر تکرار پاسخ‌های مشابه از ناحیه افراد متفاوت برای محقق محرز گردیده است. پژوهش مشارکتی از مهرماه ۷۹ آغاز و در مهرماه ۸۰ اندکی بیش از یکسال به نحوی ادامه یافته است که تمامی پدیده‌های تقویم شبانی مورد مشاهده و مصاحبه قرار گیرد. پس از جمع‌آوری اطلاعات و اتمام دوره یکساله، یافته‌ها براساس روش‌های کیفی تحلیل و در قالب گزارش علمی تدوین شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

چون پرداختن به گله و گله داری مستلزم آگاهی از چرخه فعالیت‌های شبانی است. در ابتدا

تقویم شبانی به اجمال معرفی می‌شود. چرخه سالانه شبانی در این منطقه به پنج دوره کاملاً متفاوت از هم قابل تفکیک است که عبارتند از: دوره نرکل انداختن، دوره نگهداری از گله داشتی، دوره زهگاه و چفاندن خلامه‌ها (بره‌ها و بزغاله‌ها)، دوره بره دنبال (بره‌پی) و در نهایت دوره دام و دوش.

الف - دوره نرکل انداختن: در اوایل شهریور ماه قوچ‌ها و کل‌ها با رمه آمیخته شده و گله واحدی را تشکیل می‌دهند. گله ترکیبی در چراگاهی خوش آب و هوا و علف نگهداری و چرانیده می‌شود. این دوره در اوایل مهرماه به پایان رسیده و کوچ پاییزه شروع می‌شود.

ب - دوره نگهداری از گله داشتی: در فصل پاییز گله در دوره آبستی قرار دارد. در این دوره فعالیت شبانی صرفاً در چراندن گله داشتی خلاصه می‌شود. این دوره نیز تا اوایل بهمن ادامه می‌یابد.

ج - دوره زهگاه و چفاندن بره‌ها و بزغاله‌ها: متناسب با ایام جفت‌گیری، در بهمن ماه نیز زایش گله به مدتی حدود یک ماه طول می‌کشد. پس از پایان یافتن زایش، چفاندن خلامه‌ها تا علف‌خوار شدن آنها که اغلب مصادف با ایام نوروز است ادامه می‌یابد.

د - دوره بره دنبال: همزمان با رویش گل و گیاه، خلامه‌ها توأم با رمه یا گله مادر به چرا برده می‌شوند و در ساعات خاصی از مادر جدا نگه داشته می‌شوند. این دوره را بره دنبال می‌گویند که معمولاً تا رسیدن به بیلاق در اول خرداد ادامه می‌یابد.

ه - دوره دام و دوش: با رسیدن گله به مراتع بیلاقی و تعلیف رمه از علوفه سبز و تازه کوهستان بخشی از شیر میش‌ها و بزها برای تهیه فرآورده‌های لبنی دوشیده می‌شود، این دوره با نام **دام و دوش** شناخته می‌شود. این دوره از اول خرداد ماه آغاز شده و تا اواخر مرداد ماه ادامه می‌یابد.

با شناخت اجمالی که از چرخه سالانه فعالیت‌های شبانی حاصل شد، بهتر می‌توان مضامین و مفاهیم اقتصادی گله و گله داری در البرز شرقی را بیان نمود.

۱- تفکیک و طبقه‌بندی دام‌ها:

مهم‌ترین تفاوت دام‌های گله عبارت است از تفاوت‌های نوعی، جنسی و سنی. از نظر نوع به دو گونه گوسفند و بز تقسیم می‌شوند. از آنجا که لفظ گوسفند بر کل گله آمیخته نیز اطلاق می‌شود، گله داران نوع اول را با لفظ میشینه و نوع دوم را با لفظ بزینه از هم متمایز می‌کنند. دام‌های مزبور از نظر جنس نیز در شمارش و امثال آن دو دسته مادینه و نرینه تقسیم می‌شوند. لیکن تفاوت و تفکیک سنی به توضیحات تفصیلی احتیاج دارد. گوسفند و بز از تولد تا حدود شش ماهگی شیر خوار تلقی می‌شوند. در این سن از شیر گرفته شده و به فروش رسیده یا به عنوان جایگزین دام‌های پیر نگهداری می‌شوند. در یک سالگی اولین جفت دندان اصلی که دندان نیش می‌باشد در فک پایین آنها جایگزین دندان‌های شیری می‌شود. در یک و نیم سالگی از نظر جنسی قابلیت بارور شدن یا بارور ساختن را دارا می‌شود و اولین جفت‌گیری را تجربه می‌کند. در دو سالگی، سه سالگی و چهار سالگی به ترتیب دومین، سومین و چهارمین جفت دندان اصلی آنها ظاهر می‌شود. دندان‌های کامل شده در چهار سالگی بسته به وضعیت تغذیه حدود یک تا دو سال سالم و کار آمدند، سپس به تدریج شکسته یا از هم فاصله می‌گیرند. در این وضعیت دام‌ها قدرت چرایی خود را کم از دست می‌دهند. به همین دلیل و برای جلوگیری از ضعف تدریجی، آنان را از گله خارج ساخته و مستقیماً یا پس از پروار کردن به کشتارگاه می‌فرستند.

با این توضیحات اسامی نوعی، جنسی و سنی که دام‌های یک گله به خود می‌پذیرند در جدول شماره (۱) درج شده است. دام‌های بالغ یا دام‌هایی که بیش از دو سال سن دارند، معمولاً حداکثر تا هفت سالگی نگهداری می‌شوند. گله داران برای اشاره به یک دام در خلال دوره دو تا هفت سالگی آنها علاوه بر نام، از صفاتی که تعیین کننده سن آنها باشد نیز بهره می‌گیرند. صفات مذکور ممکن است به وضعیت دندانی یا تعداد دفعات چیده شدن پشم یا موی آنها مرتبط باشد. لیکن مهم‌ترین و برجسته‌ترین صفت که در این مورد استفاده می‌شود، خصوصیات باروری آنها است. نرینه‌ها براساس تعداد سنواتی که بارور ساخته‌اند و مادینه‌ها براساس تعداد دفعات زایش تعیین صفت می‌شوند. جدول شماره (۲) صفات دام‌های بالغ اعم از گوسفند و بز

راکه متناسب سن آنهاست نشان می‌دهد.

دام بالغ مادینه چنانچه بارور نشده باشد قسر نامیده می‌شود. دام بالغ نرینه بخصوص کل‌ها - نیز چنانچه در اثر کهولت سن قادر به باروری نباشند پوته نامیده می‌شوند. اگر این ناباروری از ناحیه انسان و تعمداً ایجاد شده باشد، اخته نامیده می‌شود. اخته کردن معمولاً بر روی دو یا سه کل از گله انجام می‌شود. به کل‌های اخته شده که معمولاً نقش رهبری در گله را ایفا می‌کنند دوبر می‌گویند که احتمالاً به ناکار شدن دو بیضه آنها اشاره دارد. دامی که در گله نگه داشته می‌شود و تا سن پیری از آن بهره‌گیری شود دام‌دستی و دامی که از گله خارج می‌شود تا پس از چاق کردن به فروش برسد دام پرواری (کشتی) نامیده می‌شود.

جدول شماره (۱) - اسامی نوعی / جنسی / سنی دامهای گله در البرز شرقی

نوع		سن	خصوصیت
بزینه	میشینه		
بزغاله (Bozqâleh)	بَرَه (Bareh)	تولد تا ۶ ماهگی	مادینه
کولار (Kulâr)	تُقَلّی (Toqoli)	۶ تا ۱۲ ماهگی	
چیش (Cabos)	شیشک (Šišak)	یک تا ۲ سالگی	
بز (Boz)	میش (Miš)	بالغ یا بیش از دو سال	
نر بزغاله (NarBozqâleh)	نر بره (Narbareh)	تولد تا ۶ ماهگی	نرینه
نر کولار (NarKulâr)	نر تقلی (Nartoqoli)	۶ تا ۱۲ ماهگی	
نر چیش (NarCaboš)	نر شیشک (Naršišak)	یک تا ۲ سالگی	
کل (Kal)	نر (Nar)	بالغ یا بیش از دو سال	

جدول شماره (۲) - صفات تعیین کننده سن دام‌های بالغ گله در البرز شرقی

خصیصه	دو تا سه سالگی	سه تا چهار سالگی	چهار تا پنج سالگی	پنج تا شش سالگی	شش تا هفت سالگی
نرینه	یک ران	دو ران	سه ران	چهار ران	پنج ران - پیر کل پیر نر
مادینه	یک زه	دو زه	سه زه	چهار زه	پنج زه - پیر میش پیر بز

۲- ترکیب گله

دسته یا گروهی از حیوانات که باهم باشند گله نامیده می‌شوند. حال ممکن است از نظر نوع، جنس یا سن یک دست و همانند بوده یا آنکه کاملاً متنوع باشند. گله‌هایی که در مالکیت گله داران البرز شرقی نگه‌داری می‌شوند از نظر نوع، آمیخته‌ای از میشینه و بزینه و از نظر جنس - به غیر از دوره خاصی از سال - آمیخته‌ای از نرینه و مادینه و از نظر سن نیز آمیخته‌ای از تمامی سنین می‌باشند، نسبت هر کدام می‌تواند توسط عوامل مختلفی تعیین شود که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف - نسبت بزینه به میشینه: می‌توان گفت که هیچ گله‌ای یافت نمی‌شود که از نظر نوع دام کاملاً یک دست باشد. بزها از نظر تغذیه‌ای به چریدن بوته‌ها علاقه‌مند بوده و جست و خیز بیشتری دارند و در مناطق پر شیب و سنگلاخی بهتر چرا می‌نمایند. علاوه بر اینها در هر گله حداقل تعدادی بز لازم است تا در هدایت و جابجایی گله از وجود آنها استفاده شود. نسبت بزینه به میشینه بنا به دل‌خواه مالک گله و معمولاً متناسب با چراگاهی که در اختیار دارد تعیین می‌شود. معمولاً این نسبت در این منطقه حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد گله است. با این حال گله‌هایی وجود دارند که بیش از هشتاد درصد احشام آن بزینه هستند.

ب - نسبت نرینه به مادینه: دام اصلی هر گله میش‌ها یا بزهایی هستند که هر ساله زایش نموده و منافعی را برای گله‌دار در پی داشته باشند. لاجرم برای بارور ساختن این دام‌ها حضور نرها صورت پیدا می‌کند. در قدیم به ازای هر ۱۰۰ رأس میش یا بز حدود ۱۰ رأس قوچ یا کل در

گله نگه می داشته‌اند لیکن در حال حاضر که امکان تغذیه تکمیلی نرها در دوره جفت‌گیری وجود دارد این نسبت به ۳ الی ۵ درصد کاهش یافته است.

ج - نسبت سنی: یک گله می‌تواند از نظر سنی کاملاً همسال یا کاملاً ناهمسال باشد. گله کاملاً همسال در دوره کوتاهی از چرخه فعالیت شبانی یعنی دوره دام و دوش متشکل از بره‌ها و بزغاله‌های تازه متولد بوجود می‌آید که معمولاً تا پایان دوره دوام می‌یابد. چنین گله‌ای که اغلب به پرواربندی فرستاده می‌شود با نام گله پرواری شناخته می‌شود. در قیاس با این گله، گله‌ای که همواره دوام و ثبات دارد همانا گله داشتی یا گله پایه است که از نظر سنی کاملاً ناهمسال است. بدین معنی که دام‌های چنین گله‌ای بطور عادی بین تمامی طبقات سنی کم و بیش به طور یکسان توزیع شده‌اند و این نکته از اسرار و رموز شبانی و گله داری است که شناخت آن هم‌چنان نیازمند بررسی‌های مفصل‌تر و دقیق‌تری است. با این توضیحات یک گله فرضی ۲۵۰ رأسی در منطقه البرز شرقی و در اول پاییز می‌تواند توزیعی شبیه مندرجات جدول شماره (۳) داشته باشد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود گله از نظر نوعی به دو گروه میشینه و بزینه، از نظر جنسی به دو گروه نرینه و مادینه و از نظر سنی به شش طبقه سنی تقسیم شده است. نسبت بزینه به میشینه به نحوی است که حدود یک سوم گله را بزینه‌ها تشکیل می‌دهند. توزیع تعداد در طبقات مختلف سنی تقریباً یکسان است و کاهش تدریجی آن ناشی از وقوع تلفات تا سن پیری است که در بند جداگانه‌ای توضیح داده خواهد شد.

۳- مرگ و میر گله داشتی

گله داشتی در خلال سال با حوادث و خطرات مختلفی مواجه است که از آن جمله می‌توان گرگ زدگی، صاعقه زدگی، مسمویت‌های گیاهی و انواع بیماری‌های میکروبی را نام برد. از این رو درصدی از گله داشتی در اثر این حوادث تلف شده و از بین می‌روند. گرگ زدگی مهمترین حادثه خسارت آور است که در مواردی قریب نصف گله را تلف کرده است. مواردی نیز

جدول شماره (۳) - توزیع نوعی، جنسی و سنی یک گله مفروض ۲۵۰ رأسی در البرز

شرقی در اوایل دوره نر کل انداختن

بزینه	میشینه	خصیصه
۱۴	کولار ۳۰	تقلی
۱۳	چبش ۲۸	شیشک
۱۲	بز یک زه ۲۷	میش یک زه
۱۱	بز دو زه ۲۵	میش دو زه
۱۰	بز سه زه ۲۳	میش سه زه
۱۰	بز چهار زه ۲۱	میش چهار زه
۷۰	۱۵۴	جمع
۲	نر کولار ۵	نر تقلی
۲	نر چبش ۴	نر شیشک
۱	کل یک ران ۳	نر یک ران
۱	کل دو ران ۲	نر دو ران
۱	کل سه ران یا دو بر ۲	نر سه ران
۱	کل چهار ران یا دو بر ۲	نر چهار ران
۸	۱۸	جمع
۷۸	۱۷۲	جمع کل

وجود داشته‌اند که در خلال سال کمتر از یک درصد تلفات ناشی از گرگ زدگی داشته‌اند.^(۱) بطور کلی تلفات و مرگ و میر یا زیان ناشی از حوادث در گله‌داشتی را می‌توان حدود ۲ تا ۱۰ درصد در سال در نظر گرفت. در مثال مفروض در این مقاله مرگ و میر در حدود ۵ درصد در سال در نظر گرفته شده است. یعنی گله پایه ۲۵۰ رأسی پس از یک سال و با اضافه شدن ۱۵۴ بره‌ای که تا پایان شیرخوارگی باقی می‌مانند، گله آمیخته بدون تحمل تلفات می‌بایست به ۴۰۴ رأس می‌رسید در حالی که این گله در اواخر چرخه سالانه شبانی یعنی آغاز نرکل انداختن به ۳۸۵ رأس رسیده و ۱۹ رأس کاهش را در سال نشان می‌دهد که در جداول شماره (۳) و (۴) بصورت کاهش یک یا دو رأس از هر گروه سنی به گروه سنی بالاتر نشان داده شده است. لازم به تأکید و توجه است که مرگ و میر گله داشتن در خلال یک سال غیر از مرگ و میر نوزادان تا پایان شیرخوارگی است. این مرگ و میر را می‌توان به نحو دیگری نیز بیان نمود و آن اختلاف بین بره‌ها و بزغاله‌های پرورش یافته در گله و دام مازاد قابل فروش است که در مثال مفروض مقاله، تفاوت بین ۱۵۴ رأس خلاصه اضافه شده و ۱۳۵ رأس دام به فروش رفته، که در صفحات بعدی به روشنی توضیح داده شده است (جدول شماره ۵) می‌باشد.

۴- گله، چهارپایان بارکش و سگان گله

در مناطق کوهستانی البرز نیز مانند اکثر مناطق ایران گله‌های گوسفند و بز نگهداری و تعلیف می‌شوند. چرانندگ گله در چنین مناطقی حضور و وجود دو نوع دام اهلی دیگر را ضروری می‌سازد:

الف - دام سواری و بارکشی: تقریباً در تمام نقاط از الاغ و اسب و دام حاصل از

۱- بازتاب مشکل و مسئله گرگ در زندگی چوپانی را می‌توان به روشنی در ترانه‌های چوپانی و از آن جمله ترانه‌های کار مشک زنی مشاهده کرد برای نمونه نک به:
مرتضی فرهادی، «ترانه‌های کار مشک زنی...»، فصلنامه راه دانش، ش ۹ و ۱۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۶)

تلاقی این دو یعنی قاطر به عنوان دام سواری و بارکش همراه گله استفاده می‌شود. تعداد و نوع دام بارکش به ابعاد گله و شرایط اجتماعی و اقتصادی گله دار ارتباط دارد. معمولاً به ازای هر یکصد رأس دام یک رأس دام سواری / بارکش در گله وجود خواهد داشت.

ب - دام نگهبان: وجود گرگ و احیاناً دیگر درندگان در مناطق کوهستانی ایجاب می‌کند تا هیچ گله‌ای بدون حضور سگ قابل نگهداری نباشد و شاید بتوان گفت حرفه گله داری در مناطق کوهستانی البرز شرقی بدون حضور سگ عملاً غیر ممکن است. معمولاً به ازای هر ۷۰ الی ۱۰۰ رأس دام گله یک قلاده سگ به همراه گله وجود دارد.

۵- طبقه بندی گله ها

همان طور که ذکر شد گله‌ها از نظر هدف نگهداری به دو دسته تقسیم می‌شوند: گله داشتی و گله پرواری. گله داشتی مشابه بناگله مفروضی است که در جدول شماره (۳) معرفی شد، در دوره زهگاه شروع به زایش می‌کند و همان طور که قبلاً اشاره شد بره‌ها و بزغاله‌های تازه متولد شده موقتاً به جمعیت گله اضافه می‌شوند. در مثال ارایه شده در مقاله، گله مفروض ۲۵۰ رأسی با اضافه شدن حدوداً ۱۵۰ بره و بزغاله تازه متولد شده، به حدود ۴۰۰ رأس می‌رسد. خلامه‌های اضافه شده به گله داشتی در دوره بره دنبال (بره‌پی) در معیت مادر به چرا برده می‌شوند و تمام شبانه روز را همراه مادر بوده و فقط در ساعات خاصی از مادر جدا نگه داشته می‌شوند. این وضعیت تا رسیدن گله به چراگاه بیلاقی در آغاز خردادماه ادامه دارد. در دوره بیلاقی، گله آمیخته فوق الذکر به چهار لنگه قابل تقسیم است. این تقسیم بدان جهت صورت می‌گیرد تا کار شبانی به سهولت ادامه یابد. این لنگه‌ها عبارتند از:

- ۱- لنگه رمه: گله مادینه هایی که زاییده‌اند و اکنون شیر وارند.
- ۲- لنگه خلامه‌ها: بره‌ها و بزغاله هایی که تازه متولد شده‌اند و همچنان شیرخوارند.
- ۳- لنگه خشکه‌ها: مادینه هایی که به سن بلوغ نرسیده‌اند یا پس از بلوغ نا بارور مانده‌اند.
- ۴- لنگه نرها: به جهت آنکه امکان جفت‌گیری بدون نظم در گله وجود دارد، نرها و کل‌ها

تا ابتدای دوره نرکل انداختن دور از رمه نگهداری می‌شوند.

جدا کردن خشک‌ها و نرها در لنگه‌های جداگانه امری حتمی نیست. ممکن است تعداد مادینه‌های نابارور کم باشند و یا به دلیل نیافتن چوپان و نظایر آن با لنگه رمه آمیخته شوند. نرها نیز امروزه کمتر در لنگه جداگانه‌ای نگهداری می‌شوند. در قدیم که امکان تغذیه کمکی مثل امروز فراهم نبوده است، تعداد نرها بیشتر بوده و اغلب به عنوان یک لنگه جدا می‌شده‌اند اما امروزه با تغذیه کمکی که نرها در دوره جفت‌گیری دریافت می‌کنند بالتبع به تعداد کم‌تری نگهداری می‌شوند و به جای آنکه لنگه جداگانه‌ای را تشکیل دهند موقتاً با لنگه خلامه‌ها آمیخته می‌شوند و یا آنکه هر گله دار آنها را تا موعد نرکل انداختن به خانه روستایی خود منتقل کرده و موقتاً در آنجا نگهداری می‌کند. در هر مرحله از سال چنانچه گله پایه - که از نظر سنی، جنسی و نوعی آمیخته است - سنگین باشد، بنابه اقتضای عرصه چراگاهی یا تغذیه کمکی و بنا نظایر آن، گله به چند لنگه شکسته می‌شود. مثلاً لنگه‌ای از نر بزه‌ها، بزها یا بزغاله‌ها در برابر لنگه نرها، میش‌ها و بره‌ها بوجود می‌آید. البته تفکیک گله‌ها از نظر نوع کمتر مشاهده می‌شود.

با این وصف گله داشتنی عمدتاً بصورت آمیخته نگهداری می‌شود و معمولاً فقط در دوره بیلاقی به دو لنگه (خلامه‌ها و رمه) تقسیم می‌شود و در دوره نرکل انداختن مجدداً همه چیز به جای خود بر می‌گردد. پس بهتر است به چنین گله‌های موقتی نام لنگه اطلاق گردد و مفهوم لنگه از مفهوم گله متمایز دانسته شود.

۶- زاد و ولد، حذف و فروش دام

گله داشتنی که در جدول شماره (۳) معرفی شد، در فصل پاییز دوره آبستنی را طی می‌کند. مادینه‌های قابل باروری گله (یعنی شیشک‌ها، میش‌ها، چبش‌ها و بزها) تماماً بارور نمی‌شوند. نرخ باروری معمولاً به سلامت گله و تغذیه مناسب گله در دوره جفت‌گیری بستگی دارد. طبیعی است که این نرخ در گله‌های مختلف با هم تفاوت چشم‌گیری داشته باشد. در برخی موارد دیده شده است که در دو گله مجاور، در یک گله کمتر

از ۵ درصد ولی در گله دیگر بیش از ۳۰ درصد مادینه‌های قابل باروری قسر مانده‌اند. مادینه‌های بارور شده پس از طی پنج ماه دوره آبستنی بره یا بزغاله خود را به دنیا می‌آورند. در هنگام زایش معمولاً به علت سوء تغذیه و بیماری‌های دیگر بره‌های تازه متولد شده در معرض مرگ و میر قرار دارند. چنانچه مادینه‌های پیا به‌زا بطور مناسب تغذیه شوند و نوزادان متولد شده نیز به نیکویی مراقبت و پرستاری گردند، مرگ و میر بره‌ها و بزغاله‌ها ممکن است به کمتر از دو درصد نیز برسد.

در گله مفروض این مقاله چنانچه نرخ باروری ۹۰ درصد و نرخ مرگ و میر نوزادان تا آخر دوره شیرخوارگی حدود ۵ درصد فرض شود، از ۱۸۰ مادینه قابل باروری تعداد ۱۶۲ مادینه بارور شده و تعداد ۱۸ مادینه قسر می‌مانند. همچنین از ۱۶۲ خلامه متولد شده نیز تعداد ۸ نوزاد تلف شده، ۱۵۴ خلامه سالم مانده و به گله اضافه می‌شوند. بره‌ها و بزغاله‌های مذکور تا اواسط تابستان یعنی تا حدود شش ماهگی شیر می‌خورند و در ضمن بطور جداگانه نیز به چرا می‌پردازند و در این سن از شیر گرفته می‌شوند. پس از چندین روز از آنکه به خلامه‌ها اجازه چفیدن داده نشد، ناامید می‌شوند و شیر پستان مادرها می‌خشکد. در این زمان لنگه خلامه‌ها می‌تواند با لنگه رمه آمیخته شود. در مثال این مقاله، گله به ۳۸۵ رأس خواهد رسید که به شکل جدول شماره (۴) قابل وصف است. تأمین مخارج گله و ثابت نگهداشتن آن به لحاظ محدودیت‌های محیطی و مدیریتی ایجاب می‌کند که گله مجدداً به ۲۵۰ رأس که همان پایه یا داشتی است کاهش یابد.

اواخر مردادماه و اوایل شهریورماه معمولاً زمان کاهش گله و فروش دام مازاد است. زیرا بره‌ها و بزغاله‌ها دیگر به مادر وابستگی ندارند و از سوی دیگر علف سبز بهاره و تابستانه نیز در کوهستان چرانیده شده است و چنانچه علوفه‌ای باقی مانده باشد نیز باید صرف تغلیف گله داشتی شود. بنابراین باید تعدادی دام حذف شوند. دام‌های حذف شده در درجه اول دام‌های پیر هستند که قدرت چرای خود را از دست داده یا می‌دهند. این گروه عبارتند از میش‌ها، بزهای پنج زه، نرها و کل‌های پنج ران که در جدول شماره (۴) مندرج است. به تناسب این تعداد دام که حذف می‌شوند باید از بره‌ها و بزغاله‌ها که از این پس به

علت رسیدن به سن شش ماهگی و پایان یافتن شیرخوارگی تقلی و کولار شناخته می‌شوند، جایگزین شوند. خلاصه‌های مازاد نیز حذف شده و به فروش می‌رسند و بدین ترتیب گله‌داشتی با ترکیبی مشابه سال گذشته، ثابت باقی می‌ماند. در مثال این مقاله

جدول شماره (۴) - گله آمیخته در اواخر دوره دام و دوش که از گله فرضی ۲۵۰ رأسی حاصل شده است.

جنس/نوع	میشینه	بزینه
مادینه	بره	۵۳ بزغاله
	شیشک	۲۸ چیش
	میش یک زه	۲۷ بز یک زه
	میش دو زه	۲۵ بز دو زه
	میش سه زه	۲۳ بز سه زه
	میش چهار زه	۲۱ بز چهار زه
	میش پنج زه	۲۰ بز پنج زه
نرینه	نر بره	۵۳ نر بزغاله
	نر شیشک	۴ نر چیش
	نر یک ران	۳ کل یک ران
	نر دو ران	۲ کل دو ران
	نر سه ران	۲ کل سه ران یا دو بر
	نر چهار ران	۲ کل چهار ران یا دو بر
	نر پنج ران	۲ کل پنج ران یا دو بر
جمع کل	۲۶۵	۱۲۰

چنانچه دام‌ها مطابق جدول شماره (۵) از گله آمیخته جدول شماره (۴) حذف شوند گله مجدداً به حالت داشتی در می‌آید (گله مفروض معرفی شده در جدول شماره (۳). در مثال فوق ۳۰ رأس بره ماده، ۵ رأس بره نر، ۱۴ رأس بزغاله و ۲ رأس نر بزغاله در گله باقی مانده و مابقی به همراه دام‌های وازده به فروش می‌رسند. بنابراین از گله آمیخته جدول شماره (۴) تعداد ۱۰۳ رأس خلاصه و ۳۲ رأس دام پیر و وازده، مجموعاً به تعداد ۱۳۵ رأس به شرح جدول شماره (۵) حذف شده، و بلافاصله یا پس از پروار بندی چند هفته‌ای یا چند ماهه به کشتارگاه فرستاده می‌شوند. با این وصف یک گله داشتی ۲۵۰ رأسی هر سال حدود ۱۳۵ رأس دام مازاد تولید می‌کند، که قابل عرضه به بازار گوشت خواهد بود.

جدول شماره (۵) - دام های حذف شده برای فروش از یک گله داشتی ۲۵۰ رأسی

نوع/جنس	مادینه	نرینه
میشینه	بره ۲۳(۵۳-۳۰)	نر بره ۴۸(۵۳-۵)
	میش پنج زه ۲۰	نر پنج ران ۲
بزینه	بزغاله ۱۰(۲۴-۱۴)	نر بزغاله ۲۲(۲۴-۲)
	بز پنج زه ۹	کل پنج ران ۱
جمع	۶۲(۱۳۵)	۷۳

۷- حساب و کتاب گله و گله داری

حساب و کتاب گله داری می‌تواند با دیدگاه‌های مختلفی انجام شود. لیکن آنچه در اینجا مد نظر بوده است معرفی چهارچوب جدیدی برای حسابداری و در عین حال تحلیل اقتصادی گله است که در آن دام سرمایه‌ای از دام تولیدی کاملاً تفکیک شده و هزینه‌ها و درآمدها با جزئیات بیشتری روشن شده‌اند. در ذکر سرمایه ثابت، هزینه‌ها و دریافت‌ها، یک گله داشتی ۲۵۰ رأسی

مدنظر بوده است.

۷-۱- مال و اموال: مال و اموال یا به مطایبه دار و ندار که در اقتصاد و حسابداری با نام

دارایی یا سرمایه ثابت از آن یاد می‌شود عبارتند از:

الف- چراگاه که بصورت حق علفچر یا پروانه چرا عینیت می‌یابد.

ب- چفت یا جایگاه قشلاقی

ج- بنه یا جایگاه بیلاقی

د- دام ثابت گله داشتی (مطابق جدول شماره ۳)

ه- دام همراه گله

۱- دام سواری شامل یک رأس اسب و یک رأس الاغ

۲- دام نگهدار شامل سه قلاده سنگ

و- اسباب و لوازم: شامل انواع ظروف شیر دوشی، دوره یا ابزار کره‌گیری، آخورها، لوازم

مربوط به چوپان، لوازم مربوط به حیوانات همراه گله و نظایر آن.

۷-۲- خرج و برج: که در اقتصاد و حسابداری با نام سرمایه جاری از آن یاد می‌کنند:

الف - خرج دام گله

۱- خوراک زمستانی برای گله داشتی برای ۲۵۰ رأس به مدت ۹۰ روز، هر روز نیم کیلو به

ازای هر رأس.

۲- خوراک خلامه‌ها برای ۱۵۴ رأس بمدت ۶۰ روز، هر روز ۲۰۰ گرم به ازای هر رأس.

۳- خوراک نرها در زمان جفت‌گیری برای حدود ۱۰ نر قابل جفت‌گیری حدود یک ماه هر

روز یک کیلو به ازای هر رأس.

۴- هزینه بهداشت و درمان، واکسیناسیون گله داشتی در مقابل تب برفکی، سیاه زخم

آگلاکسی، علفی (آنتروتوکسومی) برای گله داشتی، خوراندن قرص کرم روده و جگر برای کل

گله آمیخته یا بخشی از آن، شستشوی دام علیه انگل‌های خارجی حداقل یک بار در سال، درمان

موردی علیه زردی و امثال آن.

۵- هزینه بابت اجاره ته چر مزارع و باغات.

۶- هزینه پشم چینی کل گله داشتنی یک بار در سال.

۷- هزینه بابت تأمین آب مورد نیاز گله

ب - خرج دام همراه گله

۱- خوراک سگ‌ها: روزانه حدود یک کیلو آردجو برای سه قلاده سگ در تمام سال.

۲- خوراک دام سواری: روزانه حداقل دو کیلوگرم جو برای اسب در فصل پاییز و زمستان و روزانه حدود یک کیلوگرم خوراک تکمیلی برای الاغ در فصل زمستان.

ج - هزینه چوپانان

۱- دستمزد:

- مزد دو چوپان برای تمام سال جهت گله داشتنی.

- مزد کارگر فصلی در دوره زهگاه یک نفر برای دو ماه.

- مزد خلامه چران برای هدایت گله در دوره دام و دوش یک نفر برای سه ماه.

- مزد مختاباد برای شیردوشی و انجام امور جایگاه در دوره دام و دوش یک نفر

برای سه ماه.

۲- خوراک چوپانان در خلال سال شامل:

ده کیسه آرد، دو گوسفندگوشتی، قند و چای، روغن هر ماه یک حلب، برنج نیمه یا سالم ۱۵۰ کیلو، سایر هزینه‌ها (کبریت، نفت و...).

۳- لباس چوپانان:

- چوپانان دایم هر کدام حداقل یک یا دو دست در سال یا بر اساس توافق.

- چوپانان فصلی با توجه به توافق.

د - هزینه ترمیم جایگاه قشلاقی و بیلاقی.
ه - هزینه دام تلف شده در اثر گرگ زدگی، بیماری‌ها و نظایر آن.
و - هزینه تمدید پروانه چرا در بیلاق و قشلاق.

۳-۷- فروش یا دریافت‌ها

الف - دریافت‌های حاصل از فروش دام زنده حذف شده از گله (مطابق جدول شماره ۵).
ب - دریافت‌های حاصل از فروش شیر یا فرآورده‌های حاصل از آن: حدود ۱۵۰ رأس میش و بز شیرده، هر رأس به طور متوسط ۳۰۰ گرم به مدت سه ماه در دوره دام دوش.

ج - دریافت حاصل از پشم و موی پشم حاصل از پشم چینی ۱۷۰ رأس میشینه هر رأس ۲ کیلوگرم (موی بز به ندرت تراشیده شده و به فروش می‌رسد).

د - دریافت حاصل از فروش کود: صرفاً از اقامت گله در چفت یا جایگاه زمستانی قابل استحصال است حدود ۱۰ تن در سال از یک گله ۲۵۰ رأسی.

۴-۷- درآمد: درآمد گله یا گله داری عبارتست از ما به التفاوت دریافتی‌ها و هزینه‌ها که به صورت درآمد سالانه محاسبه و بیان می‌گردد.

۵-۷- صرف: صرف داشتن، صرفیدن یا صرف کردن در گله‌داری عبارتست از برتری درآمد سالانه حاصل از گله داری به درآمدی که از تبدیل سرمایه در مشاغل دیگر قابل استحصال است. این شاخص که عمدتاً با محاسبات ذهنی و سرانگشتی و صرفاً بطور مقایسه‌ای معنا می‌یابد یکی از نکاتی است که به استناد آن از گله داری صرف نظر کرده و یا احياناً بر آن اصرار می‌ورزند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در آغاز مقاله نیز اشاره شد هدف از مردم‌شناسی اقتصادی بازنگری در مفاهیم و محاسبات مالی و اقتصادی است. با در نظر داشتن این امر و با توجه به یافته‌های تحقیق و

مقایسه آنها با منابع و متون موجود در این زمینه، نکات زیر بطور برجسته تری قابل استنتاج و یادآوری است:

۱- تفکیک سنی، جنسی و نوعی دام‌های گله برای تحلیل ساختاری و کارکردی هر گله ضروری است. بسیاری از مقاله‌های علمی به این تفکیک‌ها اشاره ننموده‌اند و یا در صورت اشاره جایگاه آن را در ساختار و کارکرد اقتصادی گله تحلیل نکرده‌اند.

۲- گله داشتنی به عنوان گله پایه یا واحد تولیدی در نظر گرفته می‌شود. در این صورت تفکیک بره‌ها نه به عنوان بخشی از گله یا سرمایه، بلکه به عنوان تولیدات گله در هر سال در نظر گرفته می‌شود. چه این بره‌ها مستقیماً به کشتارگاه فرستاده شوند و چه به عنوان گله پرواری جدا شوند. در بسیاری از مقاله‌های علمی که به اقتصاد گله و گله داری پرداخته‌اند، فروش دام مازاد به طور مبهم به عنوان حذف درصدی از گله - که جزو سرمایه تلقی می‌شود - در نظر گرفته شده است.

۳- یک گله داشتنی ممکن است بنا بر مقتضیات حرفه‌ای و شغلی به طور موقت به لنگه‌های جداگانه‌ای تفکیک شوند و از این رو نمی‌توان آنها را بعنوان گله و بالتبع واحد تولیدی مستقل در نظر گرفت. واحد تولیدی یا بنگاه اقتصادی می‌بایست بر مبنای یک گله داشتنی و یک دوره یکساله منظور شود و تفکیک آن به لنگه‌های متفاوت همچنان در قالب گله پایه یا گله داشتنی قابل توجیه اقتصادی و فنی خواهد بود.

۴- با در نظر گرفتن گله داشتنی و یا گله پایه به عنوان واحد تولیدی برای محاسبه تراز مالی، لازم است تمامی هزینه‌ها با جزئیات و بدون اهمال و الزاماً در یک دوره یکساله در نظر گرفته شوند. در غیر اینصورت محاسبات معطوف به بخشی از گله و یا بخشی از سال خواهد بود و بالتبع نتیجه نادرستی را در پی خواهد داشت.

گله داران در محاسبه صرفه اقتصادی همواره تمام جزئیات را منظور می‌دارند در حالی که در بسیاری از مقاله‌های علمی بخشی از این هزینه‌ها یا درآمدها در محاسبات وارد نشده‌اند و یا اینکه درآمدهای گله در بیلاق بدون پیوستگی گله داری با قشلاق در نظر گرفته شده است که احتیاج به تجدیدنظر دارد.

سپاسگزاری

از تمامی گله داران و شبانان که از همراهی و همکاری با پژوهشگر میدانی دریغ نورزیدند و نهایت حوصله را در پاسخ به سؤالات مکرر محقق ارایه داشتند، از معاونت پژوهشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران به جهت حمایت مالی تحقیق، از کارشناسان واحدهای تابعه سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در حوزه ستادی و استان‌های گلستان و سمنان و از تمام افرادی که به نحوی در انجام این پژوهش همکاری داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع و مراجع مورد استفاده

- ۱- آقا عباسی، ناصر. «بررسی امکانات بالقوه و بالفعل جهت خودبستگی در تأمین گوشت قرمز»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۷۹.
- ۲- اسکندری، نگهدار. «تعادل دام و مرتع، توازن بین تولید و مصرف»، (میزگرد کارشناسی)، مجله جنگل و مرتع، ش ۴۴، ۱۳۷۸.
- ۳- افراخته، حسن. «دامداری سنتی در قومنا»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هشتم، شماره پیاپی ۲۸، ۱۳۷۲.
- ۴- امان‌اللهی، اسکندر. کوچ نشینی در ایران، پژوهشی درباره عشایر و ایلات، چاپ پنجم، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۸.
- ۵- امیری، مسعود. «گزارشی از وضعیت دام و گوشت در کشور و بررسی اقدامات ضروری»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ش ۱۱، ۱۳۶۹.
- ۶- پاپلی یزدی، محمد حسین و مجید لباف خانیکی. «ترکیب گله در دامداری سنتی ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره پیاپی ۵۶ و ۵۷، ۱۳۷۹.
- ۷- ترکمان، منوچهر. آشنایی با جامعه عشایری ایران، شرکت چاپ و انتشارات نشر ایران، تهران، ۱۳۶۹.
- ۸- دهقانیان، سیاوش و محمدرضا کهنسال. «بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان».

- فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۷۹
- ۹- دیگار، ژان پی. بر. فتون کوچ نشینان بختیاری، ترجمه اصغر کریمی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹
- ۱۰- رحیم پور، پرویز. «بررسی وضعیت موجود نظام دامداری عشایر کوچنده کشور»، فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب، ش ۲۳، ۱۳۷۸
- ۱۱- سعادت نوری منوچهر و صدرالله سیاه منصور. گوسفند داری در ایران، انتشارات اشرفی، تهران، ۱۳۶۱
- ۱۲- شاه حسینی، علیرضا. «شمارش و نامگذاری دام‌ها در ایل سنگسری»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ش ۲، ۱۳۷۷
- ۱۳- صفی زاده، فاروق. «سیر نام دام‌ها در کردی» فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱۳۷۰
- ۱۴- علیزاده عسگر، داریوش شیر محمدی و حسن معین الدین. «طرح تعادل دام و مرتع»، مجله جنگل و مرتع، ش ۴۴، ۱۳۷۸
- ۱۵- عمادی، محمدحسین و علیرضا آقاعلی نژاد. «تحلیلی بر تحول نظام‌های دامداری و راهبردهای مداخله دولت در ایران طی نیم قرن اخیر»، روستا و توسعه، سال ۳، ش ۲، ۱۳۷۸
- ۱۶- طبیبی حشمت الله. مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۷- فرهادی مرتضی. «نگاهی به انواع گله و شبان و یاریگری در چرانیدن دام چکنه در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۵۸ و ۵۹، ۱۳۷۹
- ۱۸- قنبری علی. «بهره وری نظام دامداری عشایری»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ش ۸ و ۹، ۱۳۶۸
- ۱۹- کیا، محمود. مردم‌شناسی اقتصادی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴

۲۰- کیاوند، عزیز. در برزخ گذار: بررسی طایفه بامدی از ایل بختیاری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴

۲۱- مزینی، پرویز. مبانی کارشناسی دام، نشر سپهر، تهران، ۱۳۸۰

۲۲- نیر، حسین. «واژگان دامداری در عشایر ترکمن»، فصلنامه ذخایر انقلاب، ش ۲۱،

۱۳۷۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی